پژوهش‌نامه اسلامی حقوق / سال دوم/ شماره چهارم/ پاییز و زمستان ۱۴۰۰/۴۵- ٦٤

اقدامات سازمان‌های بین‌المللی نسبت به مبارزه با تروریسم

زهرا توکلی[۱]، سیده فاطمه فقیهی[۲]

چکیده

تروریسم بی‌تردید یکی از مسائل و مشکلات جامعه امروزی است که به یکی از مباحث بحث‌انگیز بین‌المللی منطقه‌ای و داخلی تبدیل شده است. امروزه گروه‌های تروریستی به‌صورت منسجم در چندین کشور مختلف در حال حیات و ترتیب دادن حملات مختلف تروریستی هستند. همین ویژگی باعث شده که سازمان های بین‌المللی به اقداماتی علیه تروریستان در طول زمان بپردازند. پژوهش حاضر با هدف بررسی اقدامات سازمان های بین‌المللی در مبارزه با تروریسم انجام شد. با توصیف و تحلیل اسناد بین‌المللی این نتیجه حاصل شد که سازمان‌های بین‌المللی با اقداماتی چون تصویب کنوانسیون‌ها و معاهداتی مثل قطعنامه ۳۱۳۱ شورای امنیت و ایجاد کمیته مقابله با تروریسم و کمیته ویژه ضدتروریسم که زیر نظر شورای امنیت به‌وجود آمد و همچنین با رویکردهایی مثل رویکرد سنتی، پیشگیرانه، مالی و نظامی در طول زمان به مقابله با تروریسم پرداختند.

واژگان کلیدی: ترور، تروریسم، اقدامات سازمان‌های بین المللی، تروریست، مبارزه با تروریسم، سازمان‌های بین المللی.

---

۱. دانش‌آموخته کارشناسی حقوق و معارف اسلامی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرّس گروه علمی – تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

تروریسم از دیدگاه حقوق بشر پدیده‌ای نابه‌هنجار است و جامعه بین‌المللی همواره به اشکال گوناگون با آن مواجه بوده است. تروریسم پدیده‌ای ساده و جدید نیست بلکه یکی از پیچیده‌ترین موضوعاتی است که بشر در طول تاریخ خود شاهد آن بوده است و حیات بی‌گناهان بی‌شماری را سلب یا تهدید کرده است. مبارزه با این پدیده پیچیده بین‌المللی به‌آسانی مقدور نخواهد بود و این امر نیاز به همکاری‌های بین‌المللی دارد که آن نیز از طریق همکاری بین‌المللی میسر است. همکاری‌های بین‌المللی نیز نیاز به ابزارهای خاصی دارند که عبارتند از: کنوانسیون‌های بین‌المللی و همکاری در قالب سازمان‌های بین‌المللی در کنار اقدامات فردی دولت‌ها. با اوج‌گیری تروریسم و گسترش روزافزون اقدامات تروریستی در سال‌های اخیر به‌ویژه وقوع اقدام تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اقدامات جامعه بین‌المللی نیز برای مقابله آن گسترش یافته است. تصویب بیش از ۱۲ کنوانسیون جهانی و ۷ کنوانسیون منطقه‌ای از این دست است. علاوه‌بر کنوانسیون‌ها، مجمع عمومی قطع‌نامه‌های متعددی را نیز به‌تصویب رسانده و در این قطع‌نامه‌ها تروریسم را از مصادیق جنایت به‌شمار آورده و از دولت‌ها خواسته تا حداکثر توجه و همکاری را در فرآیند مبارزه با این پدیده مبذول دارند.

بررسی اقدامات مجمع عمومی نشان می‌دهد که این رکن تروریسم، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است. به‌موازات مجمع عمومی، شورای امنیت نیز با تصویب قطع‌نامه و تأسیس چند نهاد فرعی در مسیر مقابله با تروریسم فعال بوده است. مبنای صلح شورا در مقابله با تروریسم را باید در موارد مختلف منشور ملل متحد و وظایفی که براساس منشور برعهده شورا واگذار شده جست‌وجو کرد. در مورد این پدیده، جامعه جهانی همچنان فاقد یک رویکرد منسجم برای مقابله با تروریسم است. تحقیق حاضر در طرح پاسخ به این مسئله است که سازمان‌های بین‌المللی چه اقداماتی علیه تروریسم انجام دادند و این اقدامات چه تأثیری در بازگشت صلح و امنیت به جامعه بین‌المللی داشته است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲ـ۱. تعریف و طبقه‌بندی سازمان‌های بین‌المللی

اصطلاح سازمان‌های بین‌المللی به‌معنی اجتماعی از کشورهاست که براساس یک معاهده چندجانبه بین‌المللی برای وصول به هدف‌های مشترک با هم همکاری می‌کنند. سازمان‌های بین‌المللی، ارکان ثابت و شخصیت حقوقی دارند. اسناد مؤسس یا اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی باید به تصویب کشورهای عضو برسد. (منشور ملل متحد، ۳۴ اکتبر ۱۹۴۵، بند ۳ ماده ۱۱) سازمان‌های بین‌المللی در درجه اول به سازمان‌های دولتی و غیر دولتی طبقه‌بندی می‌شوند. منظور از سازمان‌های غیر دولتی سازمان‌هایی است که بین افراد خصوصی در جوامع مختلف با علاقه مشترک به‌وجود می‌آیند مانند انجمن حقوق بین‌الملل یا کمیته بین‌المللی صلیب سرخ. همچنین سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان براساس کار ویژه آنها تقسیم‌بندی کرد مانند سازمان‌های سیاسی- اداری یا قضایی. طبقه‌بندی دیگر براساس گستردگی یا محدودیت هدف‌ها صورت می‌گیرد مانند سازمان‌های جامع (دارای هدف‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی) و سازمان‌های با صلاحیت محدود (مانند سازمان خواروبار و کشاورزی). ازنظر دامنه عضویت، می‌توان سازمان‌ها را به سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای تقسیم‌بندی کرد (مقتدر، ۱۳۹۰، ص۳۰۶).

۲-۲. ترور در لغت و اصطلاح

ترور در لغت به‌معنای ترساندن و تروریسم به‌معنای ارهاب و تهدید و ایجاد ترس و وحشت میان مردم است. تروریست به‌معنای طرفدار ارهاب و تهدید، طرفدار حکومت زور معنی شده است. (آقا بخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳، ص۵۶۳) فرهنگ لغت وبستر در تعریف تروریسم آورده است: «استفاده نظام‌مند و ساختاریافته از اعمال وحشت‌آفرین-اغلب در شکل خشونت- و خاصه تهدید» (وبستر، ۱۳۹۵، ص۱۵۲). در قطع‌نامه ۱۹۸۴ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل درباره تعریف تروریسم چنین آمده است: «فعالیت‌های مجرمانه و خشونت‌آمیزی که

گروه‌های سازمان‌یافته برای ایجاد ارعاب و وحشت انجام می‌دهند تا به این ترتیب اهداف به اصطلاح سیاسی خود را میسر سازند» (بوسا، ۱۳۷۵، ص۲۰).

ولف فیلسوف آمریکایی می‌نویسد: «تروریسم عبارت است از: به‌کار بردن غیر مشروع زور و خشونت برای رسیدن به اهداف خاص. بنابراین، استفاده مشروع از قدرت و زور داخل در مفهوم ترور نیست». (مصباح، ۱۹۹۰، ص۴۴) در فرهنگ علوم سیاسی، ترور چنین تعریف شده است: «ترور به‌معنای وحشت و ترس زیاد است. اصطلاحاً به حالت وحشت فوق‌العاده اطلاق می‌شود که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خون‌ریزی از سوی یک گروه، حزب یا دولت به‌منظور نیل به هدف سیاسی، کسب یا حفظ قدرت است» (شاملو احمدی، ۱۳۸۰، ص۵۶۳). سازمان پژوهشی EPI در تعریف تروریسم می‌آورد: «استفاده از زور علیه افراد یا دارایی‌هایشان». براساس این تعریف نیز به‌سادگی می‌توان پلیس، آتش‌نشانی، شهرداری‌ها و سایر نهادهای دولتی را نیز تروریست محسوب کرد (گزارش سالانه EPI، ۲۰۰۹م).

۳. انواع تروریسم

۳ – ۱. تروریسم نوین

نئوتروریسم برخلاف تروریسم که تهدیداتی در سطوح افراد و کارگزاران داخلی نظام‌های سیاسی ایجاد می‌کرد در هر سه سطح بشر، دولت-ملت‌ها و ساختار نظام بین‌الملل تهدیدات جدی به‌وجود آورده است. موضوع ترور در نئوتروریسم، فقط اماکن نظامی و دولتی یا سفارتخانه‌ها یا افراد مؤثر نیستند بلکه همه انسان‌ها یا دولت‌ها و حتی ثبات نظام بین‌الملل ممکن است مورد تهدید قرار گیرند. (رضایی و حشمتی، ۱۳۹۵، ص۶۵)

۳ – ۲. بیوتروریسم

براساس تعریف پلیس بین‌الملل در سال ۲۰۰۷ بیوتروریسم عبارت است از: منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی با هدف کشتن یا آسیب رساندن به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان با قصد و

نیت قبلی و به‌منظور وحشت‌آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواست‌های سیاسی یا اجتماعی.

۳-۳. تروریسم دولتی

تروریسم دولتی نیز اصطلاحی مشعر به دخالت دولت یا دولت‌هایی در امور داخلی یا خارجی دولتی دیگر که به‌منظور ایجاد رعب و وحشت، از طریق اجرا و یا مشارکت در عملیات تروریستی و یا حمایت از عملیات نظامی به‌منظور زوال، تضعیف و براندازی دولت مذکور و یا دستگاه رهبری آن صورت می‌گیرد. (آقابخشی، ۱۳۸۳، ص۵۶۳) تروریسم دولتی، زمانی است که دولت‌ها به‌صورت سازمان‌یافته و تثبیت‌شده با اعمال قدرت به حذف فیزیکی افراد می‌پردازند که ازجمله آنها می‌توان به اقدامات تروریستی اسرائیل اشاره کرد. ویلیام پرد نویسنده کتاب تروریسم و دولت، دوازده ویژگی برای تشخیص تروریسم دولتی برشمرده است که عبارتند از:

اقدامات سیاسی دولتی نسبت به مردم خویش برای اعمال تسلط از راه ایجاد ترس که می‌تواند با کنترل اخبار مطبوعات، لغو گردهمایی‌های گروه‌ها، ضرب و شتم، شکنجه، توقیف‌های وسیع، محاکمات ناعادلانه و اعدام‌های سریع تحقق پیدا کند؛

- حمله مسلحانه قوای نظامی یک دولت به اهدافی از دولت دیگر که در آن شهروندان ساکن بوده و خطر متوجه آنهاست؛
- تلاش در جهت ازبین بردن مأموران دولت‌های دیگر؛
- اشغال نظامی یک کشور، خواه به‌صورت کنترل مستقیم یا به‌صورت ایجاد پایگاه عملیاتی؛
- عملیات پنهان به‌وسیله تشکیلات امنیتی یا سایر نیروهای یک دولت که در پی بی‌ثبات کردن یا ساقط کردن دولت دیگر است؛
- تبلیغات مبتنی بر مطالب نادرست توسط یک دولت با هدف بی‌ثبات کردن دولت دیگر و ایجاد حمایت عمومی از نیروهای هدایت شده در کشور دیگر؛
- عملیات نظامی، مانورها یا بازی‌های انجام شده از سوی یک دولت خارج از سرزمین یا آب‌های سرزمینی آن؛

- به‌کارگیری و حمایت مزدوران نظامی توسط یک دولت به‌منظور ساقط کردن حکومت کشور دیگر؛
- حمایت از دولت‌هایی که حق تعیین سرنوشت مردم را نفی می‌کنند؛
- فروش تسلیحات در حمایت از استقرار جنگ‌های منطقه‌ای باوجود تلاش‌هایی که در جهت یافتن راه‌حل سیاسی صورت می‌گیرد؛
- انتقال سلاح‌های هسته‌ای توسط یک دولت به سرزمین، آب‌ها یا فضای هوایی دولت‌های دیگر یا در آب‌ها و فضای بین‌المللی؛
- توسعه، آزمایش و به‌کارگیری سیستم‌های تسلیحاتی فضایی و هسته‌ای و سایر تسلیحات با قدرت تخریبی وسیع که در شرایط اجتماعی کشتار جمعی یا تخریب محیط زیست را افزایش می‌دهد.

۴. اقدامات سازمان‌های بین‌المللی

۴ـ۱. ملاحظات مقدماتی ملل متحد در مقابله با تروریسم

دبیر کل ملل متحد در نخستین سخنان خود در مجمع عمومی بعد از تصویب قطع‌نامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) ازجمله اظهار داشت: «صلح، تحمل، احترام متقابل، حقوق بشر، حاکمیت قانون و اقتصاد جهانی ازجمله قربانیان اقدامات تروریستی هستند». وی در ادامه همین سخنان اظهار کرد: «این حمله (حمله ۳۳ سپتامبر)، حمله و هجمه به بشریت بوده و بشریت باید به‌عنوان یک پیکره به آن پاسخ دهد» (سخنان دبیر کل خطاب به مجمع عمومی در مورد تروریسم، ۲۰۰۱). برخی از کشورها عهده‌دار مقابله با پدیده تروریسم شدند و به درمان عوامل اصلی آن پرداختند و در این اقدام به قطع‌نامه‌های سازمان ملل متحد در صیانت از صلح و امنیت بین‌المللی، حفظ صلح، برقراری صلح و آرامش و هماهنگ ساختن تلاش‌های جهانی ذیربط به‌منظور مبارزه با تروریسم استناد کردند. برخی دیگر از کشورها با فعال‌سازی نقش سازمان‌های غیر دولتی در آماده‌سازی و تدوین برنامه‌ها و طرح‌هایی برای مقابله با این پدیده

در زمینه‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی و اشـاعه فرهنگ گفتمان و پذیرش نظرات دیگر در چارچوب قوانین بین‌المللی گام برداشتند (عبدالکریم، بی‌تا، ص۱۲).

۴-۱-۱. کمیته مقابله با تروریسم و قطع‌نامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت

بندهای اجرائی ۱، ۲ و ۳ قطعنامه (۱۳۷۳) متضـمن مقرراتی ماهوی و به‌ویژه تعهدات حقوقی است که از دولت‌ها اجرا و رعایت آنها خواسته شده است. از یک نگاه، این مقررات به‌صورت تمثیلی و نه حصری به موارد زیر پرداخته‌اند:

- بند اجرایی ۱: پیشگیری و سرکوب تأمین مالی تروریسم؛
- بند اجرایی ۲: پیشگیری و جرم‌انگاری اقدامات تروریستی؛
- بند اجرایی۳: همکاری بین‌المللی و تصـویب پارلمانی۱۲ کنوانسـیون ملل متحد» علیه تروریسم.
- اجرای مؤثر این قطعنامه مستلزم اتخاذ تدابیری مانند موارد زیر است :
- جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسـم پیرو و براسـاس مواد ۲ و ۴ کنوانسـیون بین‌المللی سـرکوب تایم نمالی تروریسم (بند۱).
- تضـمین اینکه ادعاهای مبتنی بر انگیزه‌های سـیاسـی به‌منزله زمینه و سـبب رد درخواسـت اسـترداد افراد متهم به فعالیت‌های تروریسـتی شـناخته نشـود (بند۳) (قطعنامه شـورای امنیت، ۱۳۷۳، بندهای ۱، ۲و ۳).

۴-۱-۲. حقوق بشر

دبیر کل سـازمان ملل متحد در بیانیه خود خطاب به شـورای امنیت در ۴ اکتبر ۲۰۰۲ به مناسـبت اولین سـالگرد کمیته مقابله با تروریسـم اظهار داشـت: «اقدامات تروریسـتی با هر ماهیتی که باشند، تخلف فاحش از حقوق بشر هستند. ازاین‌رو تعقیب امنیت به قیمت حقوق بشر در کوتاه‌مدت، ساده‌لوحانه، تناقض‌برانگیز و در بلندمدت، خودتباهی است». (بیانیه دبیر کل سازمان ملل متحد، ۴ اکتبر۲۰۰۲) همچنین دول عضو آشکارا مقرر کرده‌اند که:

- تروریسم، کرامت و امنیت انسان‌ها را در همه‌جا تهدید می‌کند، جان بی‌گناهان را می‌گیرد یا آن را در معرض خطر قرار می‌دهد، محیطی را به‌وجود می‌آورد که آزادی مردم از ترس را پایمال می‌کند، آزادی‌های اساسی را در معرض خطر قرار می‌دهد و هدف آن ازبین بردن حقوق بشر است.
- تأثیر منفی در برقراری حاکمیت قانون دارد، جامعه مدنی تکثرگرا را تضعیف می‌کند.
- پایه‌های دموکراتیک جامعه را هدف قرار می‌دهد و حکومت‌های قانونی را بی‌ثبات می‌کند، با جرایم سازمان‌یافته فراملی، قاچاق مواد مخدر، پول‌شویی، قاچاق اسلحه و همچنین انتقال غیر قانونی مواد اتمی، شیمیایی و بیولوژیکی و همچنین پیامدهای جرائم مهمی همچون قتل، اخاذی، آدم‌ربایی، تجاوز، گروگان‌گیری و سرقت در ارتباط است.
- پیامدهای نامطلوبی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها دارد، روابط دوستانه میان دولت‌ها را به خطر می‌اندازد و تاثیر زیانباری بر روابط میان دولت‌ها ازجمله همکاری‌های مربوط به توسعه دارد
- تمامیت سرزمینی و امنیت دولت‌ها را در معرض تهدید قرار می‌دهد، موجب نقض فاحش اهداف و اصول سازمان ملل متحد می‌گردد و تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. ازاین‌رو مقابله با آن عنصری ضروری در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود (رامرد، ۱۳۹۵، ص۴۴).

۴-۱-۳. دفاع مشروع

استناد به قاعده دفاع مشروع در حمله به افغانستان که به‌دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر به‌وقوع پیوست به‌نظر می‌رسد که در جهت خلاف این نظریه باشد. در واقع شورای امنیت به‌جای اتخاذ اقداماتی که در صلاحیت اوست دولت قربانی را در توسل به دفاع مشروع تشویق می‌کند. این توسل به دفاع مشروع اگر همراه با رضایت و مجوز شورای امنیت باشد نامشروع نخواهد بود؛ زیرا در اختیار برتر شورا در محدوده صلاحیت آن هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد، ولی این اختیار مانع از تحلیل نقدگرایانه عملکرد شورا نمی‌شود. باید سعی کرد نظریه جمعی

مبتنی بر تجاوز به صـلح بین‌المللی را دریافت باید پی برد چرا دیدگاه مبتنی بر دفاع مشـروع توسـط کشـور قربانی بر دیدگاه دفاع مشـروع جمعی مبتنی بر تجاوز به صـلح بین‌المللی ترجیح داده شد. (سندوزیوس، ۱۳۸۲، ص۳۶۱)

۴-۱-۴. اقدامات قهری سازمان ملل

در قضیه افغانسـتان انگیزه‌های سیاسی است که تصمیم شورای امنیت را توجیه می‌کند. در این واقعه ایالات متحده برای به‌دسـت آوردن چراغ سـبزی که به او اجازه دهد به روش خود وارد عمل شـود، ترجیح می‌داد یا حداقل توقع داشـت از یک حاشـیه امنیتی مطمئن‌تری برخوردار شـود تا در این زمینه قدرت مانور بیشتری داشته باشد. همچنین برای بسیاری از اعضای شورای امنیت بهتر بود برای پرهیز از تحمل بار مسـئولیت ناشـی از وسـعت اسـتفاده از نیروی قهری، حسـاسـیت‌های زیادی در مورد درجه توسـل به قوه قهریه به خرج ندهند. کما اینکه با اغماض – و بی‌آنکه این مسـئله را به‌طور شـفاف تصـریح نمایند از کنار آن گذشـتند (چراغ سـبز به آمریکا دادند) در نهایت خشـونت‌های مداوم طالبان نیز موجب اتخاذ تصـمیم حمله به افغانسـتان شـد به‌طوری‌که حتی مدافعان حقوق بشـر نیز که هدف نهایی یعنی، سـقوط طالبان را آرزو می‌کردند از برخی نتایج ناخوشـایند و خشـن ناشـی از عملیات نظامی چشـم پوشـیدند. با اسـتناد به دفاع مشـروع جمعی، ایالات متحده، اعضـای سـازمان ناتو را هم درگیر این عملیات کرد. اگرچه براسـاس اسـاسـنامه ناتو مشارکت در این عملیات مجاز بوده است، اما اعضای ناتو با اجابت درخواست ایالات متحده قصد تقویت موضع سیاسی و مالی خود را نیز مدنظر داشتند. (سندوزیوس۱۳۸۲، ص۳۵۶)

۱-۵-۱. کمیته ویژه ضد تروریسم (شورای امنیت سازمان ملل متحد)

در قطعنامه ۳۰۳۴ مجمع عمومی[1] در سال ۱۹۷۲ یک عبارت آشنا در مورد مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی وجود دارد. این عبارت این‌گونه آغاز می‌شـود: «مجمع عمومی عمیقاً در ارتباط با

1. United Nations General Assembly

اعمال تروریسم بین‌المللی که در سطح وسیع و فزاینده جان انسان‌های بی‌گناه را می‌گیرد، اظهار نگرانی می‌کند، سپس در پاراگراف عملیاتی اول ادامه می‌دهد که مجمع در ارتباط با اعمال خشونت‌آمیزی که جان انسان‌های بی‌گناه را در معرض خطر قرار می‌دهد و آزادی‌های بنیادین آنها را متزلزل می‌سازد، نگرانی عمیق خود را ابراز می‌دارد». درحالی‌که بند دوم این‌گونه پیش می‌رود: «دولت‌ها باید فوراً به یافتن روش‌های عادلانه و صلح‌آمیز برای جست‌وجوی ریشه‌های ارتکاب این اعمال خشونت‌آمیز توجه کنند، اما قطعنامه از این نظر اهمیت دارد که کمیته موقتی را در ارتباط با تروریسم بین‌المللی تأسیس کرده است که متشکل از ۳۵ دولت عضو ازجمله یونان و اتریش می‌باشد».

۴ – ۲. اقدامات دیوان دادگستری بین‌المللی

۴ – ۲ – ۱. صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی

در نشست‌های مقدماتی تهیه اساسنامه دیوان، دولت‌های مواجه با اقدامات تروریستی مانند ترکیه، الجزایر و سریلانکا خواستار اعمال صلاحیت دیوان بر اقدامات تروریستی شدند، ولی در کنفرانس نهایی تهیه اساسنامه دیوان در شهر رم ایتالیا در ۱۷ جولای ۱۹۹۸، بنا به دلایلی ازجمله عدم وجود تعریف جامع از تروریسم و سیاسی بودن این مفهوم، تروریسم خارج از قلمروی صلاحیت دیوان قرار گرفت. بااین‌حال در قطعنامه منظم به اساسنامه دیوان، موسوم به قطعنامه E عنوان شد که در کنفرانس بازنگری آتی اجباری (۷ سال بعد از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه) این مسئله می‌تواند بررسی شود قبل از برگزاری اولین کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان در سال ۲۰۱۰ در شهر کامیالای اوگاندا، کشور هلند طرحی در مورد درج تروریسم در صلاحیت دیوان ارائه نمود، اما این کنفرانس با تمرکز بر روی جنایت تجاوز از پرداختن به مسئله تروریسم و طرح پیشنهادی هلند اجتناب ورزید.

اول) جلوگیری از بی‌کیفری

یکی از اهداف و شعارهای اصلی دیوان مبارزه با بی‌کیفری است. وظیفه دیوان، رسیدگی به وضعیت‌های ارجاعی است و این دیوان است که تصمیم می‌گیرد در چارچوب کدام جنایات وضعیت ارجاعی را بررسی کند. اگر دیوان در رسیدگی مقدماتی به این نتیجه برسد که وضعیت مطروحه دربردارنده موارد متعددی از جنایات است به همه جنایات ارتکابی اعمال صلاحیت خواهد نمود. برای مثال اگر اقدامات تروریستی براساس تعریف ژنوسید در اساسنامه رم، واجد قصد خاص (قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه قومی، ملی، مذهبی و نژادی) باشد یک جنایت ژنوسید قلمداد خواهد شد. هرچند اثبات این قصد ژنوسیدی سخت است. (نمامیان، ۱۳۹۷، ص۱۹۲)

دوم) محدودیت‌های صلاحیتی و پیش‌صلاحیتی

دیوان ازنظر گستره صلاحیتی با محدودیت‌های متعددی مواجه است. ازجمله براساس ماده ۱۱ اساسنامه، دیوان تنها صالح به رسیدگی به جنایات پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن اساسنامه (۲۰۰۲) خواهد بود. همچنین براساس ماده۱۲، دیوان تنها بر جنایت‌های ارتکابی در قلمروی کشورهای عضو یا توسط اتباع دولت‌های عضو اعمال صلاحیت خواهد کرد. عدم عضویت دولت‌ها، چالش اساسی دیوان و یکی از مشکلات قربانیان برای رسیدن به عدالت است. به‌هرحال در صورت توسعه صلاحت دیوان بر تروریسم بین‌المللی در کنفرانس‌های بازنگری آتی، این محدودیت‌ها بدین معنی خواهد بود که دیوان قادر به رسیدگی به جنایات تروریستی واقع قبل از تاریخ ۲۰۰۲ یا جنایات ترویستی واقع در قلمروی سرزمینی کشورهای غیر عضو توسط اتباع کشورهای غیر عضو نخواهد بود. مسئله دیگر پیش‌شرط های اعمال صلاحیت دیوان است. براساس مفاد اساسنامه دیوان تنها زمانی قادر به رسیدگی خواهد بود که یک دولت عضو یا شورای امنیت وضعیت را ارجاع دهند یا خود دادستان تحقیقاتی در این زمینه شروع کرده باشد. براین‌اساس احتمال دارد دولت‌های دیگر یا شورای امنیت براساس انگیزه‌های سیاسی، وضعیت خاصی مانند فعالیت نهضت‌های آزادی‌بخش در قلمروی یک

کشـور را به دیوان ارجاع دهند. این همان نگرانی اسـت که در کنفرانس بازنگری کامپالا مانع از بررسی طرح پیشـنهادی دولت هلند برای توسـعه صلاحیت دیوان بر تروریسـم شـد (نمامیان، ۱۳۹۷، ص۱۸۶).

۴ – ۲ – ۲. موانع دیوان دادگستری

چند مانع صلاحیتی باید هنگام رسیدگی به جرم تروریستی در محضر دیوان، مدنظر قرار گیرند:

اول اینکه دیوان فقط در مورد جرایمی از صـلاحیت قضـایی برخوردار اسـت که پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه واقع شده باشند. در مورد دولتی که بعد از اجرایی شدن اساسنامه عضـو آن می‌شـود، دیوان تنها می‌تواند در مورد جرایمی که بعد از اجرایی شـدن اسـاسـنامه دیوان برای آن دولت واقع شده‌اند، رسیدگی کند مگر آنکه این کشور براساس بند سوم ماده۱۲ اسـاسـنامه دیوان، بیانیه‌ای صـادر کرده باشـد. دوم اینکه هر عنصـر خاص تروریسـتی باید ملاک‌های جرم ضـد بشـری را دارا باشـد. در واقع باید در حیطه یک یا چند جرم تعریف شـده به‌عنوان جرم ضـد بشـری قرار گیرد. سـوم اینکه دیوان در چارچوب صـلاحیت قضـایی خود می‌تواند در سـه وضـعیت، در رابطه با جرمی، اعمال صـلاحیت کند که عبارتند از: موقعیتی که در آن، جرمی در حیطه صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی واقع شـده به‌وسـیله دولت عضو به دادسـتان کل ارجاع (کشـور عضـو) شـود؛ وقتی چنین موقعیتی ازسـوی شـورای امنیت سـازمان ملل متحد که به‌موجب فصـل هفتم منشـور ملل متحد عمل می‌کند به دادسـتان کل ارجاع (ارجاع به شـورای امنیت) شـود؛ وقتی دادسـتان کل، تحقیقات در مورد چنین جرمی را آغاز کرده باشد (تحقیقات آغاز شده توسط دادستان کل).

در مورد ارجاع دولت عضـو با تحقیقات آغاز شـده به‌وسـیله دادسـتان کل، دیوان تنها در جایی می‌تواند صلاحیت قضایی خود را اعمال کند که دولتی که جرم در قلمروی آن واقع شده (دولت سرزمینی) و یا دولتی که متهم، تبعه آن است (دولت ملی)، عضو اساسنامه دیوان باشد یا صلاحیت دیوان را پذیرفته باشد. بااین‌حال اقدام تروریستی ارتکابی توسط اتباع دولت غیر عضو و در قلمروی دولت غیر عضو در حیطه صلاحیت قضایی دیوان قرار نمی‌گیرد مگر اینکه

چنین عملی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد به دادستان کل ارجاع شده باشد. (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷، ص ۷۶)

۵. رویکردها در مقابله با تروریسم

۵ـ۱. رویکرد سنتی: مبارزه کیفری با اعمال مجرمانه تروریستی

در این رویکرد به تروریسم به‌عنوان پدیده‌ای بیش از یک رفتار کیفری نگریسته نمی‌شود. روشن است که در چنین رویکردی، نظام کیفری متشکل از سازوکارهای واکنشی است که در برابر کنش‌های کیفری اتخاذ می‌شوند. درهرصورت، وجه تمایز چنین رویکردی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود: استفاده از مأموران انتظامی یا به‌طورکلی مأموران اجرای قانون[1] در تعقیب متهمان به ارتکاب فعالیت‌های تروریستی و لزوم رعایت دقیق اصول حقوق جزایی مانند اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، اصل منع تفسیر موسع متون کیفری، اصل برائت و دیگر تضمین‌های قضایی شناخته شده توسط نظام‌های حقوقی معتبر جهان.

در میان اصول مذکور، توجه به اصل قانونی بودن جرایم در این رویکرد مهمترین جایگاه را دارد؛ زیرا این اصل نه‌تنها آغازگر هر نوع واکنش کیفری است بلکه تضمین‌کننده چنین واکنش‌هایی نیز است. به این توضیح که اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها مانع از سوءاستفاده در تعقیب یا کیفر متهمان به ارتکاب فعالیت‌هایی است که در مورد تروریستی بودن آنها قانونی وجود نداشته و یا حداقل تردید وجود دارد. البته لازم به تأکید است که براساس مقررات و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، دست دولت‌ها برای تروریستی دانستن فعالیت‌های خشونت‌طلبانه نیز باز نیست. کمیته حقوق بشر، نگرانی خود را از تعریف موسع جرم تروریستی و عضویت در گروه‌های تروریستی در مجموعه قوانین کیفری دولت‌های عضو ابراز نموده است. (www. unhchr. ch/tbs/doc. nsf/)

1. Law enforcement officials

در مورد تروریسم بین‌المللی، فقدان تعریفی جامع از تروریسم از آسیب‌های جدی رویکرد کیفری در مبارزه با تروریسم می‌باشد به صورتی‌که وجود اختلاف‌نظر در تعریف تروریسم مانع از واکنش کیفری قابل ملاحظه‌ای در برابر فعالیت‌های تروریستی شده است. دراین‌راستا برخی دولت‌ها با استناد به تعریف خود از تروریسم از محاکمه و یا استرداد متهمان به فعالیت یا عضویت در گروه‌های تروریستی سرباز می‌زنند و در عمل از کارایی نظام کیفری سرکوب تروریسم می‌کاهند.

۵ – ۲. رویکرد پیشگیرانه نسبت به اعمال کیفری تروریستی

رویکرد پیشگیرانه[1] در مبارزه با تروریسم دو قسمت دارد: در قسمت اول که بیشتر به مسائل فراحقوقی بازمی‌گردد بیش از آنکه به پیش‌دستی در برابر تروریسم اندیشیده شود به علل و عوامل پیدایش تروریسم و چگونگی برطرف کردن این عوامل توجه می‌شود. عواملی مانند فقر، عدم توسعه، تبعیض، رژیم‌های استبدادی و عدم رعایت حقوق اقلیت‌ها ازجمله عوامل رشد تروریسم در جوامع هستند. بدیهی است که اگر مردم با توسل به تدابیر قانونی موجود به اهداف فوق قائل نشوند به‌تدریج به روش‌ها و وسایل خشونت‌باری متمایل خواهند شد که در زمره جرایم تروریستی قابل طبقه‌بندی هستند. بنابراین، ضروری است که دولت‌ها با توجه جدی به عوامل پیش‌گفته به‌طور بنیادین از ظهور و توسعه تروریسم پیشگیری کنند. پرواضح است که این رویکرد در بلندمدت به‌مراتب از تمام رویکردهای دیگر پایدارتر و مؤثرتر خواهد بود. اصول راهنمای شورای اروپا در مورد حقوق بشر و مبارزه با تروریسم (www. Coe. int/T/E/Human_Rights/ 5694_8. pdf) این رویکرد را مدنظر داشته است.

قسمت دوم در حقیقت در پاسخ به اقدامات تروریستی است که باوجود توسل به قسمت اول، ارتکاب می‌شوند. به دیگر سخن همواره این امکان قابل تصور است که گروه‌ها و

---

1. Preventive approach

سازمان‌های تروریستی وجود داشته باشند که با زیاده‌خواهی نظم موجود را به چالش بکشند. در چنین مواردی قسمت دوم رویکرد پیشگیرانه آن است که به‌جای اتخاذ موضع انفعالی و واکنشی در برابر فعالیت‌های تروریستی همت گمارده شود. این رویکرد به‌ویژه پس از آشکار شدن توانایی تروریست‌ها برای به‌کارگیری روش‌ها و تسلیحات کشتار جمعی مورد تأکید بسیار قرار گرفته است. رویکرد پیشگیرانه در بیشتر کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم مورد توجه قرار گرفته است. با این توضیح این کنوانسیون‌ها به‌جای تشریح و تدوین اقدامات پیشگیرانه بیشتر بر تکلیف دولت‌های عضو برای پیشگیری از تروریسم تأکید کرده‌اند.

در کنوانسیون‌های منطق‌های ضدتروریسم نیز وضعیت مشابهی به‌چشم می‌خورد با این تفاوت که در میان این کنوانسیون‌ها، معاهده همکاری میان دولت‌های عضو کشورهای مستقل مشترک‌المنافع برای سرکوب تروریسم که در چهار ژوئن ۱۹۹۹ به‌تصویب رسیده است دارای مقررات دقیق‌تری در این مورد است. افزون بر این اسناد، دو کنوانسیون دیگر در این مقوله قابل بررسی هستند: کنوانسیون اول که در اسناد بین‌المللی یا منطقه‌ای موجود در مبارزه با تروریسم قابل طبقه‌بندی نیست، کنوانسیون بین‌المللی پالرمو علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی (رست[1]، ۲۰۰۱) است که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در 20 نوامبر سال ۲۰۰۰ به‌تصویب رسیده است. این کنوانسیون اگرچه جزو کنوانسیون‌های تخصصی مبارزه با تروریسم نیست، ولی به دو دلیل مقررات آن در مورد جرائم تروریستی نیز قابل استناد است. اول اینکه تروریسم نیز همواره به‌عنوان یکی از جرایم سازمان‌یافته فراملی قابل طبقه‌بندی است و دوم اینکه در مقدمه کنوانسیون، تروریسم به‌صراحت مورد توجه طراحان کنوانسیون قرار گرفته است.

1. Res, G.A.

۵ – ۳. رویکرد مالی: خشکاندن منابع مالی تروریسم

جامعه بین‌المللی به‌تجربه دریافته است که ریشه اصلی استمرار تروریسم در منابع مالی آن است به‌گونه‌ای که تا وقتی منابع مالی تروریسم خشکانده نشود مسئله تروریسم به‌راحتی قابل سرکوب و مقابله نخواهد بود. ازاین‌رو به تدریج در قطعنامه های مجمع عمومی (قطعنامه ۴۶/۵۱، قطعنامه ۵۱/۲۱۰ در تاریخ ۱۶ ژانویه۱۹۹۷، قطعنامه ۵۳/۱۰۸ در ۸ دسامبر ۱۹۹۸) و سپس در قطعنامه‌های شورای امنیت به‌ویژه قطعنامه‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۹۰ که پس از حوادث تروریستی یازده سپتامبر آمریکا به‌تصویب رسیدند با جرم‌انگاری تأمین منابع مالی فعالیت‌های تروریستی، این تکلیف به‌عهده دولت‌های عضو گذاشته شده است که نسبت به ریشه‌کنی منابع مالی تروریست‌ها اقدام کنند. چنان‌که مشخص است در صورت تحقق کامل این رویکرد، بی‌تردید بسیاری از گروه‌های تروریستی که هم‌اکنون با منابع مالی قابل توجهی تغذیه می‌شوند، تضعیف شده و توانایی خود را در انجام عملیات بین‌المللی از دست خواهند داد، ولی از این نکته نیز نباید غافل شد که این رویکرد مانند دو رویکرد سابق به‌تنهایی رویکرد جامع و مانعی نیست.

۵ – ۴. رویکرد نظامی

۵ – ۴ – ۱. رویکرد نظامی از راه توسل به زور یک‌جانبه

سال‌هاست دولت‌های ایالات متحده و انگلستان، توسل به دفاع مشروع مسلحانه را برای حفاظت از منافع و اتباع خود در برابر حملات تروریستی جایز می‌دانند. (مورفی سین، ۱۹۹۱، ص ۹۳) این دیدگاه حداقل تا زمان حملات 11 سپتامبر امریکا مورد تائید حقوق بین‌الملل و جامعه بین‌المللی قرار نگرفته است. پس از این حملات بود که شورای امنیت با تصویب دو قطعنامه پی‌درپی (قطعنامه ۱۳۶۸) امکان توسل به زور را در نظام دفاع مشروع در برابر حملات مذکور شناسایی کرد. در تحلیل این رویکرد باید پذیرفت که شورای امنیت حملات مذکور را در حکم یک حمله مسلحانه در معنای ماده ۵۱ منشور در نظر گرفته و برای دولت یا دولت‌های قربانی حق توسل به دفاع مشروع را شناسایی کرده است؛ (http://www. Ejil. Org/ forumWTC/ny

stahn. pdf) امری که تا قبل از این، مورد تأیید آن شورا قرار نگرفته بود. برای مثال شورای امنیت این رویکرد را در حملات تروریستی به سفارتخانه‌های آمریکا در دو کشور تانزانیا و کنیا در سال ۱۹۹۸ با وجود محکوم کردن این حملات تصویب نکرد.

چند نکته مقدماتی فوق به‌سادگی روشن می‌کند که هرگونه توسل به زور یک جانبه بین‌المللی در برابر عملیات تروریستی ناگزیر از تأمین شرایط به‌روز حق دفاع مشروع از یک طرف و لزوم رعایت شرایط اعمال این حق از طرف دیگر است. علاوه‌بر لزوم وجود یک حمله تروریستی در حد یک حمله مسلحانه در معنای ماده ۵۱ منشور، هرگونه توسل به زور در مقام دفاع مشروع باید با تحقق دو شرط ضرورت و تناسب همراه باشد. مهمترین خطر این رویکرد، تضعیف اصل منع توسل به زور و ترتیبات منشور است که میراث اصلی جامعه بین‌المللی در سده اخیر به‌شمار می‌رود. توسل به دفاع مشروع بر پایه ماده ۵۱ منشور ملل متحد شرایطی دارد ازجمله:

- ضرورت حمله نظامی: حمله باید فوری و آخرین راه چاره باشد؛
- هدف: کاربرد زور نظامی منحصراً باید به‌قصد سرکوب تجاوز اعمال شود؛
- تناسب: کاربرد زور باید متناسب با هدف باشد؛
- زمان اقدام: هنگامی‌که تجاوز پایان یابد یا شورای امنیت دست به اقدام مقتضی زند باید استفاده از زور نظامی متوقف شود؛
- رعایت حقوق بشردوستانه: دولت یا دولت‌هایی که اقدام به دفاع مشروع می‌کنند باید به اصول بنیادین حقوق بشردوستانه پایبند باشند (قربان‌نیا، ۱۳۸۳، ص۳).

۵ – ۴ – ۲. رویکرد نظامی از راه توسل به زور چندجانبه

مقصود از توسل به زور چندجانبه، اقدامات قهری است که ممکن است شورای امنیت براساس فصل هفتم منشور ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ایفا کند. ازاین‌رو

بررسی چنین توسل به زوری بی‌تردید در پرتو ارتباط تروریسم با صلح امنیت بین‌المللی معنا پیدا می‌کند.

دراین‌راستا، واقعیت آن است که تا ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ چنین ارتباطی اثبات نشده بود. اگرچه مجمع عمومی در قطعنامه‌های خود و همچنین برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم از تروریسم مانند تهدیدی علیه صلح و امنیت یاد کرده بودند. در چنین شرایطی بعد از حملات یازدهم سپتامبر بود که شورای امنیت با فرمول خاصی طی قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ تروریسم را در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی شناخت. معنای چنین رویکردی- که هنوز هم مورد پذیرش برخی علمای حقوق بین‌الملل قرار نگرفته آن است که شورای امنیت در برخی از قضایای تروریستی بین‌المللی می‌تواند در چارچوب فصل هفتم منشور مجوز توسل به زور صادر کرده و به سرکوب گروه تروریستی یا دولت حامی چنین گروهی مبادرت ورزد. با چنین رویکردی شورای امنیت این امکان را برای اعضای سازمان ملل متحد فراهم کرده است که در مواردی مانند حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر با کمک آن شورا مجوز سرکوب نظامی تروریست‌ها را به‌دست آورند. روشن است که دراین‌صورت نیازی به اثبات ترتیبات مندرج در ماده ۵۱ و به‌طور اخص احراز حملاتی در حکم حمله مسلحانه وجود نخواهد داشت. (عبداللهی، ۱۳۸۸، ص۱۱۳) در کانون چالش فعلی چارچوب حقوق بشر این مسئله مطرح است که آیا جنگ علیه تروریسم به‌طورقطع، یک جنگ است و اگر پاسخ مثبت باشد چه نوع جنگی است. تاکنون یکی از عدم پذیرش این مطلب که حاکمیت قانون بر جنگ علیه تروریسم نیز اعمال می‌شود تردید و تزلزل فوق‌العاده‌ای را موجب شده و حقوق فردی را در معرض زوال قرار داده است. برای مثال در آوریل ۲۰۰۳ ایالات متحده در پاسخ به سؤالات مطروحه از سوی گزارش‌گر مخصوص ملل متحد در مورد اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه یا بدون طی تشریفات اعلامیه حقوق بشر در مورد قتل ۶ مرد در نوامبر ۲۰۰۲ که به‌دنبال شلیک یک موشک در یمن، اظهار داشت که این حمله در یک عملیات نظامی و علیه مبارزان دشمن صورت گرفته است. بنابراین، خارج از

صلاحیت کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و گزارشگر مخصوص آن است (پل هافمن، ۱۳۸۵، ص۱۳۸).

۶. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به اقدامات سازمان‌های بین‌المللی علیه تروریسم اشاره کرده که مبارزه با تروریسم همواره یکی از دغدغه‌های جامعه جهانی بوده و عملیات تروریستی همواره در حقوق بین‌الملل ممنوع شمرده می‌شده است. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر تأکید بر مبارزه با تروریسم گسترش یافت. سازمان‌های بین‌المللی در طول زمان برای مقابله با تروریسم از اقداماتی استفاده کردند که این اقدامات کامل نبوده است و در مورد پدیده تروریسم جامعه جهانی همچنان فاقد یک رویکرد منسجم برای مقابله با تروریسم است و عدم ارائه تعریفی از تروریسم را می‌توان مهمترین چالش در این زمینه دانست. تعریف تروریسم در حقوق بین‌الملل یکی از پیچیده‌ترین و سخت‌ترین مباحث تخصصی است؛ زیرا ارائه تعریف قابل پذیرش از تروریسم مستلزم اتفاق‌نظر تمام یا بیشتر دولت‌ها در این زمینه است. یکی از عوامل شکست مبارزات ضد تروریستی حمایت برخی از دولت‌ها یا سایر تابعان حقوق بین‌الملل از پدیده تروریسم بین‌المللی و در واقع نبود اتحاد میان جامعه بین‌المللی در مقابله با این پدیده است. عامل دیگری که نقش اساسی در شکست مبارزات ضد تروریستی ایفا می‌کند عدم اتخاذ راهبرد مؤثر در مبارزه با تروریسم بین‌المللی است. نظر به اینکه مناسب‌ترین شیوه برای مقابله با وقوع هر جرمی ممانعت از شکل‌گیری و در واقع پیشگیری از آن است. بنابراین، بهترین شیوه مبارزه با تروریسم بین‌المللی پیشگیری از ظهور این پدیده است و لازمه پیشگیری از تروریسم بین‌المللی نیز شناخت عوامل بسترساز آن و تلاش برای مقابله و رفع آن عوامل است.

فهرست منابع

۱. ایمن عبدالکریم، حسین (۲۰۱۸). تروریسم، عوامل و انگیزه‌ها و تأثیر آن بر صلح و امنیت بین‌المللی. تهران، مجموعه نشریات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی بیان، شماره۷، صص ۳۱-۴۴.

۲. آقابخشی، علی.، و افشاری راد، مینو (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.

۳. بوسا، آندور (۱۳۷۵). بزهکاری بین‌المللی. مترجم: رخشایی، نگار. تهران: کتابخانه گنج دانش.

۴. رادمرد، محسن (۱۳۹۵). تروریسم. تهران: انتشارات نوروزی.

۵. رضایی، علیرضا.، و حشمتی، امیر (۱۳۹۵). نئوتروریسم با تأکید بر تروریسم مذهبی. نشریه حبل المتین، شماره ۱۴، صص ۶۰-۷۲.

۶. سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۷). تروریسم و نظام عدالت کیفری؛ دیوان کیفری بین‌المللی یا دادگاه مختلط. نشریه حقوق کیفری، شماره دوم، صص۱۸۳-۲۰۹.

۷. سندوزیوس (۱۳۸۲). مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل: خطرات و فرصت‌ها. نشریه حقوقی، شماره ۲۹، صص۳۳۱-۳۸۲.

۸. شاملو احمدی، محمدحسین (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی. اصفهان: نشر دادیار.

۹. عبداللهی، محسن (۱۳۸۸). تروریسم و حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. تهران: شهر دانش.

۱۰. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۳). مواجهه با تروریسم، رویکرد نظامی، سیاسی و یا حقوقی. نشریه مفید، شماره، ۲، صص۱۴۱-۱۶۸.

۱۱. مریام (۱۳۹۵). فرهنگ لغت وبستر. بی‌جا: انتشارات وبستر.

۱۲. مصباح، مصطفی (۱۹۹۰). الارهاب مفهوم و اهم جرائمه فی القانون الدولی الجنایی. جامعه قارنیوس، بنغازی.

۱۳. منشور ملل متحد، ۳۴ اکتبر ۱۹۴۵، بند ۳ ماده ۱۱ و بند ۵ ماده ۲۱ سازمان انرژی اتمی.

۱۴. نمامیان، پیمان (۱۳۹۷). صلاحیت قضایی دیوان عدالت کیفری بین‌المللی یا دادگاه مختلط. نشریه حقوق کیفری، شماره۲، صص۵۹-۸۴

۱۵. ویلیام دی پردیو(۱۹۸۹). تروریسم و دولت، بی‌جا.

۱۶. هافمن، پل (۱۳۸۵). حقوق بشر و تروریسم. نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، نشریه حقوقی، شماره ۳۴، صص ۱۳۱-۱۵۵.

17. Res, G.A. (2001) *United Nations Convention Against Transational Organized Crime*. A/45/49, Vol. I.
18. United Nations General Assembly (1972). *UNGA Resolution3034* (XXVI) of 18 December1972.
19. www. Coe. int/T/E/Human_Rights/ 5694_8. pdf
20. www. unhchr. ch/tbs/doc. nsf/. 19 Febuary 2021.